

تحلیل وضعیت سواد مالی کارکنان یک دانشگاه نظامی: مطالعه‌ای در سه حوزه، مدیریت اعتبارات و بدهی، بیمه و بازنشستگی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

امیرعباس دشتی^{۱*}، ولی‌اله وحدانی‌نیا^۲، محمد مهدی ایزدخواه^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی سطح سواد مالی کارکنان یک دانشگاه نظامی و بررسی رابطه نمره کلی سواد مالی با سه حوزه، مدیریت اعتبارات و بدهی، بیمه و بازنشستگی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری انجام شد و تصویری جامع از وضعیت سواد مالی در یک فضای آکادمیک نظامی ارائه داد. این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش تمامی تقریباً ۳۰۰ نفر کارکنان دانشگاه نظامی بود که بر اساس فرمول کوکران ۱۶۹ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد سواد مالی معین‌الدین شامل ۲۵ گویه چهارگزینه‌ای گردآوری گردید. پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۱ تأیید شد. به دلیل عدم نرمال بودن داده‌ها، برای تحلیل فرضیه‌ها از آزمون‌های ویلکاکسون تک‌نمونه‌ای و همبستگی اسپیرمن استفاده شد. میانگین نمره کل سواد مالی کارکنان ۹.۸۲ از ۲۵ بود که پایین‌تر از حد استاندارد (۱۲.۵) است و تفاوت معناداری با مقدار معیار دارد. همچنین بین نمره کل سواد مالی و تمامی حوزه‌ها همبستگی مثبت و معنادار مشاهده شد. یافته‌ها بر ضرورت طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند، به‌ویژه در حوزه‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بازنشستگی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سواد مالی، کارکنان دانشگاه نظامی، مدیریت اعتبارات و بدهی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، بیمه و بازنشستگی، آموزش مالی

۲. کارشناسی ارشد سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). ایمیل:

dashti.amirabbas@ut.ac.ir

۱. استادیار سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران ایمیل:

vvnia@casu.ac.ir

۳. استاد مدعو مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ایمیل:

izadkhah.mehdi@gmail.com

مقدمه

امروزه پیچیدگی‌های که نظام مالی دارد نه تنها مدیریت امور مالی شخصی بلکه اتخاذ تصمیم‌های مالی فردی را با چالش‌هایی مواجه کرده است. نوسانات اقتصادی، بحران‌های مالی و سرعت تحولات در بازارهای مالی، تأثیر قابل توجهی بر افراد وارد می‌کند و بسیاری را در مواجهه با مسائلی نظیر برنامه‌ریزی بازنشستگی، مدیریت بدهی، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز با دشواری مواجه می‌سازد (لوساردی و میچل، ۲۰۱۴). در این وضعیت سواد مالی عاملی مهم و اساسی برای مقابله با چالش‌ها و اتخاذ تصمیم‌های درست مالی است. سواد مالی مولفه‌ای است که افراد را قادر می‌سازد، پول و دارایی خود را مدیریت کنند، تصمیمات مناسبی جهت سرمایه‌گذاری بگیرند، رفتار خود را به سمت پس‌انداز هدایت کنند و از خدمات و محصولات مالی جدید استفاده کنند (آبرو و مندز، ۲۰۱۰). سواد مالی شامل دانش مفاهیم اساسی و توانایی انجام محاسبات ساده و استفاده از آن در امور مالی است که در انجام رفتارهای صحیح مالی بروز می‌کند. اهمیت ارتقای سواد مالی به دلیل عوامل متعددی از جمله تغییرات در وضعیت اقتصادی و جمعیتی، پیچیدگی بازارهای مالی و توسعه محصولات مالی جدید در سال‌های اخیر بیشتر از گذشته مورد تأکید قرار گرفته است (سراج، الزین، الشبامی، ۲۰۲۲). آمارها نشان می‌دهد که سطح سواد مالی در میان گروه‌های مختلف در ایران پایین ارزیابی می‌شود. بر اساس تحقیقات مرکز جهانی تعالی سواد مالی (GFLEC) در سال ۲۰۱۸ نرخ سواد مالی در ایران ۲۰ درصد بوده است و در سال ۲۰۱۶ در بین ۱۴۴ کشور رتبه ۱۳۰ را کسب کرده است. گسترش محصولات و خدمات مالی در نتیجه توسعه فناوری‌های دیجیتال بر ضرورت یادگیری و ارتقای سواد مالی می‌افزاید. به عبارت دیگر، انتخاب‌های مالی گذشته روی نسل کنونی جوابگو نیست و افرادی که از درک مفاهیم پایه‌ای مالی ناتوان یا کم‌توان هستند، ممکن است هزینه‌های معاملاتی بیشتری را متحمل شوند و در دام بدهی‌های سنگین و در معرض وام‌های با نرخ بهره بالا قرار گیرند. بحران‌های مالی در دهه‌های اخیر و ورشکستگی‌های شخصی، اهمیت توجه به سواد مالی را به عنوان ابزاری برای توانمندسازی افراد آشکار می‌سازد (فرخ بخت فومنی و احمدزاده، ۱۴۰۰). در واقع سواد مالی عامل تحقق عملکرد مالی شخصی مطلوب است که در برگزیده شاخص‌هایی مانند کیفیت مدیریت دخل و خرج، میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، حجم بدهی‌ها و ... است.

با توجه به اینکه امروزه سواد مالی از اهمیت مضاعفی برخوردار شده است، مطالعات بسیاری به بررسی سواد مالی پرداخته‌اند. پژوهش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که سواد مالی بالاتر با

کاهش بدهی، افزایش پس انداز، برنامه ریزی برای بازنشستگی و تصمیم گیری های مالی صحیح تر همراه است (آدام، فریمپونگ، بوآدو، ۲۰۱۷). این رابطه در میان کارکنان نهادهای نظامی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ ناوی و همکاران (۲۰۲۵) و ریویر، سینکلر و گراهام (۲۰۲۴) به ترتیب هر کدام در پژوهش های خود بر همبستگی بین سواد مالی و رفتارهای مالی مثبت تأکید کرده اند. در مطالعات داخلی نیز به ارتباط سواد مالی و شاخص های عملکرد مالی اشاره شده است. پژوهش هایی که روی کارکنان سازمان هایی از جمله شرکت های توزیع برق، دادگستری و شهرداری ها (فلاحی، معین الدین و شهرستانی، ۱۴۰۲؛ طباطبایی، معین الدین و شهرستانی، ۱۴۰۳؛ مهدی دخت، ۱۴۰۰) انجام شده است، نشان داد که سطوح بالاتر سواد مالی منجر به بهبود مدیریت مالی شخصی می شود. در زمینه نظامی پژوهش مهدی، حسینی و نوروزی (۱۴۰۳) بر نقش سواد مالی کارکنان ارتش در بهبود عملکرد مالی شخصی و تأمین آینده مالی تأکید نموده است. همچنین روضه ای و حبیبی (۱۴۰۳) در مطالعه ای بر روی کارکنان نظامی، پیامدهای مثبت سواد مالی از جمله بهبود عملکرد مالی شخصی را مورد شناسایی قرار دادند. بر اساس ادبیاتی که در بررسی سواد مالی بین گروه های شغلی مختلف (از جمله کارکنان شهرداری، دستگاه های قضایی و بخش سلامت) انجام گرفته این شکاف پژوهشی که سواد مالی را به صورت کلی و در قالب حوزه های عملیاتی مدیریت اعتبارات و بدهی، بیمه و بازنشستگی، و پس انداز و سرمایه در یک دانشگاه نظامی مورد بررسی قرار دهند، محدود به نظر می رسد. دانشگاه های نظامی نهادهای سلسله مراتبی ای هستند که فرهنگ سازمانی مخصوص به خود را دارند، به همین دلیل زیست بوم متفاوت از بقیه نهاد ها می سازند؛ اعضای این نهاد از اساتید و دانشجویان گرفته تا کارکنان از ثبات شغلی و حداقل درآمدی برخوردارند اما ممکن است به دلیل حقوق ثابت، مأموریت ها، محدودیت ها و نیز زیست بومی که فضای نظامی دارد، الگوهای رفتاری، نگرشی و مالی متمایزی داشته باشند.

این پژوهش با بررسی مطالعه موردی یک دانشگاه نظامی تلاش می کند تا به ارزیابی و سنجش سواد مالی و حوزه های عملیاتی آن بپردازد. مطالعه حاضر با هدف پر کردن این شکاف پژوهشی و با تمرکز بر کارکنان یک دانشگاه نظامی، به بررسی رابطه بین نمره کلی سواد مالی و حوزه های عملیاتی سواد (عملکرد مالی شخصی) می پردازد. هدف اصلی پژوهش سنجش سطح سواد مالی این جامعه دانشگاهی و تحلیل ارتباط آن با شاخص های مختلف عملکرد مالی شخصی ایشان است. در نتیجه ابعاد گوناگون سواد مالی از جمله دانش مفاهیم پایه، برنامه ریزی برای بازنشستگی و رفتارهای عملی در مدیریت اعتبارات، وام و بدهی، پس انداز و سرمایه گذاری مورد توجه قرار

خواهد گرفت و عملکرد مالی شخصی در قالب معیارهای عینی ارزیابی می‌شود. اهمیت این پژوهش آنجا است که یافته‌های آن می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی در دانشگاه‌های نظامی کمک کند تا با شناخت نقاط قوت و ضعف اعضای جامعه خود در حیطة سواد مالی، برنامه‌های توانمندسازی مالی مناسب و مؤثری را طراحی و اجرا نمایند. بهبود سواد مالی در جامعه نظامی علاوه بر افزایش رفاه فردی و کاهش اضطراب‌های مالی باعث ارتقای سطح سازمان نظامی می‌شود. در نهایت این پژوهش می‌کوشد به این سوال که سطح سواد مالی کارکنان دانشگاه مورد مطالعه چگونه است و چه رابطه‌ای بین نمره کلی سواد مالی آن‌ها با حوزه‌های عملیاتی آن (شامل مدیریت اعتبارات و بدهی، برنامه‌ریزی برای بیمه و بازنشستگی، و رفتارهای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری) وجود دارد، پاسخ دهد.

پس از این بخش، مبانی نظری و پیشینه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، روش پژوهش تشریح خواهد شد و سپس یافته‌های تحقیق در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه می‌گردد. بحث و نتیجه‌گیری مقاله نیز به همراه محدودیت‌ها و پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی پایان‌بخش این پژوهش خواهد بود.

مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

سواد مالی

سواد مالی توانایی افراد در درک مفاهیم مالی پایه، پردازش اطلاعات اقتصادی و اتخاذ تصمیمات آگاهانه برای مدیریت بهینه منابع مالی است. سواد مالی ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت‌های محاسباتی، نگرش مثبت و رفتارهای مسئولانه را شامل می‌شود که به رفاه پایدار فردی و اجتماعی منجر می‌گردد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۵). لوساردی (۲۰۰۸) آن را آشنایی با مفاهیم اقتصادی ضروری برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌داند اما رموند (۲۰۱۰) بر اعتماد به نفس در برنامه‌ریزی بلندمدت تأکید دارد و از طرفی هاستون (۲۰۱۰) به کاربرد عملی سواد مالی در زندگی روزمره اشاره دارد.

این مفهوم ریشه در نظریات مدیریت مالی شخصی و رفاه اقتصادی دارد و به تحولات اقتصادی قرن بیستم، به ویژه قانون اسمیل لور ۲ سال ۱۹۱۴ در ایالات متحده، نسبت داده می‌شود که مهارت‌های مالی را به عنوان بخشی از توانمندی‌های خانوارها مطرح کرد. شکل‌گیری مدرن آن به دهه ۱۹۹۰ و سال ۱۹۹۸ بازمی‌گردد؛ زمانی که آزادسازی بازارها، نوآوری در محصولات مالی

و بحران‌های مکرر، نیاز به آگاهی مالی را برجسته ساخت (ریاحی و هدایت زاده، ۱۴۰۲). نهادها و محققان پیشرو نظیر لوساردی (۲۰۰۸)، شورای مشورتی رئیس جمهور در زمینه سواد مالی (PACFL) و هاستینگز، مادرین و سکیمی هورن (۲۰۱۳)، سواد مالی را ابزاری برای پردازش اطلاعات اقتصادی و برنامه‌ریزی برای آینده مانند بازنشستگی و مدیریت ثروت می‌دانند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) از سال ۲۰۰۳ با پروژه آموزش مالی و گزارش ۲۰۰۵، تعریف جامعی ارائه داد که در ۲۰۱۲ با افزودن ریسک‌های مالی تکمیل شد. بحران ۲۰۰۷-۲۰۰۹ سواد مالی پایین را عامل کلیدی بحران شناسایی کرد (یگانه و زارعی، ۱۳۹۸). رویکردهای جامع‌تر، آن را متأثر از دسترسی به خدمات مالی قلمداد می‌کنند (جانسون و شرادن، ۲۰۰۷). هاستون (۲۰۱۰) در بررسی ۷۱ پژوهش در این حوزه نشان داد که حدود ۷۲ درصد از پژوهش‌ها تعریفی از سواد مالی ارائه نکرده‌اند، ۱۵ درصد شامل مباحثی درباره تعریف این واژه بوده‌اند و تنها ۱۳ درصد تعریف رسمی از آن ارائه کرده‌اند؛ بر این اساس سواد مالی مفهومی نیست که دارای یک تعریف مشخص باشد بلکه چندبعدی است که از چندین مؤلفه تشکیل شده است.

دانش مفاهیم پایه مالی و تورم

درک و شناخت مفاهیم پایه‌ای سواد مالی جزو بعدهای عمیق سواد است که از مفاهیم بنیادینی مثل بهره مرکب، ارزش پول، تورم شروع می‌شود و تا مؤلفه‌های پیچیده مثل شناخت ریسک و ... می‌رود. این دانش افراد را توانمند می‌سازد که تحولات مالی را به درستی تفسیر کنند و از تأثیر تورم بر قدرت خرید آگاه باشند (لوساردی، ۲۰۰۸). تورم ارتباط مستقیمی با بازده سرمایه‌گذاری و قیمت‌ها دارد و عدم درک آن می‌تواند به پرداخت هزینه‌های بالاتر و بدهی‌های بیشتر می‌شود (شن و همکاران، ۲۰۲۲). بدون شناخت و فهم این دانش پایه‌ای، افراد ظرفیت این را دارند که تصمیمات نادرست مالی بگیرند و متحمل ضرر شوند (کاظم پور دیزجی، خان محمدی و معین الدین، ۱۳۹۹).

مدیریت اعتبارات، وام و بدهی

مدیریت اعتبارات، وام و بدهی یکی از ابعاد مهم سواد مالی است؛ این مؤلفه از چند بخش تشکیل شده است که شامل استفاده صحیح از ابزارهای اعتباری، ارزیابی هزینه‌های وام، پرهیز از بدهی‌هایی که می‌تواند فرد را متحمل ضرر کند و مدیریت تعهدات مالی است. این مؤلفه بر تمرکز بر بدهی به عنوان یکی از جنبه‌های کلیدی سواد مالی تأکید دارد و به جلوگیری از چرخه‌های

بدهی کمک می‌کند (لوساردی و توفانو ، ۲۰۰۹).

پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک

پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک از شاخه‌های مهم سواد مالی هستند که موجب پایداری مالی فرد می‌شوند. توانایی بودجه‌بندی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و درک ریسک و میزان بازدهی زیر مجموعه های این مفهوم هستند که به برنامه‌ریزی برای نیازهای کوتاه‌مدت و بلندمدت کمک می‌کند (فراکزک و کلیمونتویکز ، ۲۰۱۵؛ کارلین و رابینسون ، ۲۰۱۲). سرمایه‌گذاری به فرآیند تخصیص منابع با هدف کسب بازدهی در آینده گفته می‌شود که مبتنی بر درک ارزش زمانی پول و مفهوم ترکیب سود (بهره مرکب) است. از سوی دیگر، مدیریت ریسک از طریق تنوع‌بخشی، ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدها، و انتخاب ابزارهای مناسب، از زیان‌های احتمالی جلوگیری کرده و ثبات مالی را حفظ می‌نماید (احمدی، امام جمعه و عزیزاده کتنلویی، ۱۳۹۴).

بیمه و برنامه‌ریزی برای بازنشستگی

بیمه و برنامه‌ریزی برای بازنشستگی جزو عامل هایی از سواد مالی هستند که امنیت بلندمدت فرد و خانواده را شامل می‌شوند. بیمه ریسک‌های غیرمنتظره مانند بیماری، از کارافتادگی، فوت یا خسارت‌های مالی را پوشش می‌دهد (کاپور و همکاران، ۲۰۲۰). برنامه‌ریزی برای بازنشستگی نیز مستلزم پس‌انداز، سرمایه‌گذاری در طول حیات کاری است که پس از آن فرد بتواند نیازهای خود را تأمین کند. عدم توجه به این دو حوزه منجر به کاهش رفاه مالی در کهنسالی می‌شود چرا که این بعد آینده‌نگر است و به حفظ تعادل مالی در طول زمان کمک می‌کند (هاستینگز، مادریان و سکیمی هورن، ۲۰۱۳).

پیشینه پژوهش

پژوهش های داخلی

فرخ بخت فومنی و احمدزاده (۱۴۰۰) در یک پژوهش کاربردی توصیفی همبستگی روی ۲۶۵ نفر از کارکنان مالی دانشگاه علوم پزشکی گیلان (نمونه ۱۵۵ نفری به روش غیراحتمالی در دسترس) با استفاده از پرسشنامه و تحلیل عاملی تأییدی نشان دادند که سواد مالی هم به‌طور مستقیم و هم از طریق خودکارآمدی مالی بر رفاه کارکنان تأثیر مثبت و معنادار دارد.

مهدی‌دخت (۱۴۰۰) در یک پژوهش توصیفی همبستگی روی ۱۳۷ نفر از کارکنان شهرداری منطقه ۱ شهرستان خرم‌آباد (نمونه ۱۰۱ نفری به روش تصادفی ساده بر اساس جدول مورگان) با استفاده از پرسشنامه سواد مالی معین‌الدین (۱۳۹۰) و پرسشنامه محقق‌ساخته رفاه مالی (۱۴۰۰) و تحلیل با

نرم افزار SPSS (آزمون های کلموگروف اسمیرنوف، پیرسون و اسپیرمن) نشان داد که بین سواد مالی و رفاه مالی کارکنان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. همچنین مؤلفه های کسب درآمد، پس انداز و سرمایه گذاری با رفاه مالی رابطه مثبت و معنادار داشتند، اما بین خرج و استقراض با رفاه مالی رابطه معناداری یافت نشد.

سلاجقه و قاسم زاده عقینانی (۱۴۰۱) در پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین سواد مالی و رفاه مالی با میزان فشار روانی در بین کارکنان اداره مالیات شهر کرمان نشان دادند که سواد مالی و رفاه مالی می توانند نقش مؤثری در کاهش فشار روانی کارکنان ایفا کنند.

کیایی و همکاران (۱۴۰۱) در یک پژوهش توصیفی مقطعی روی ۲۷۰ سالمند بازنشسته ساکن شهر قزوین (نمونه گیری به صورت تصادفی طبقه ای از ۸ کانون بازنشستگی) با استفاده از پرسشنامه های کیفیت زندگی سالمندان، سواد مالی و رضایت مالی و تحلیل با مدل معادلات ساختاری نشان دادند که سواد مالی هم به طور مستقیم و هم از طریق نقش میانجی رضایت مالی بر کیفیت زندگی سالمندان تأثیر مثبت و معنادار دارد.

علیرضائی و محمودزاده (۱۴۰۱) در یک پژوهش توصیفی پیمایشی روی سرمایه گذاران حقیقی بورس اوراق بهادار تهران (تعداد نامشخص، حجم نمونه ۳۸۴ نفری به روش تصادفی ساده بر اساس فرمول کوکران) با استفاده از پرسشنامه های سواد مالی، رفاه مالی و توانمندی مالی و تحلیل با مدلسازی معادلات ساختاری نشان دادند که سواد مالی هم به طور مستقیم و هم از طریق نقش میانجی توانمندی مالی بر رفاه مالی سرمایه گذاران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فلاحتی، معین الدین و شهرستانی (۱۴۰۲) در یک پژوهش کاربردی توصیفی همبستگی پیمایشی (رویکرد کتابخانه ای میدانی) روی ۱۷۵ نفر از کارکنان شرکت توزیع برق یزد (به روش نمونه گیری در دسترس، بر اساس قاعده ۱ برابری تعداد سنجه های پرسشنامه) با استفاده از پرسشنامه استاندارد نشان دادند که سواد مالی بر رفاه مالی، رفاه جسمی و رفاه ذهنی کارکنان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

پیرایش راد و همکاران (۱۴۰۲) در یک پژوهش کاربردی با استفاده از پرسشنامه های سواد مالی و نگرش به پول روی ۳۹۸ نفر از مدیران، کارشناسان، دانشجویان و افراد عادی ساکن شهر تهران (جمع آوری داده در سال ۱۴۰۰) و تحلیل با مدلسازی معادلات ساختاری (نرم افزار PLS) نشان دادند که سواد مالی و نگرش به پول هر دو تأثیر مثبت، مستقیم و معناداری بر رفاه مالی دارند.

طباطبایی، معین الدین و شهرستانی (۱۴۰۳) در یک پژوهش توصیفی پیمایشی و کاربردی روی کارکنان دادگستری استان یزد (نمونه گیری به روش در دسترس بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۴۰۵ پرسشنامه تکمیل شده) با استفاده از پرسشنامه های سواد مالی، خودکارآمدی مالی و ابعاد رفاه و تحلیل با روش حداقل مربعات جزئی پس از تأیید روایی و پایایی نشان دادند که سواد مالی و خودکارآمدی مالی بر هر سه بعد رفاه کارکنان (جسمی، مالی و ذهنی) تأثیر مثبت و معنادار دارند.

احمدی و بادی (۱۴۰۴) در یک پژوهش توصیفی پیمایشی از نوع همبستگی روی کارکنان شهرداری‌های استان بوشهر با استفاده از پرسشنامه‌های معتبر و تحلیل با مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان دادند که سواد مالی تأثیر مثبت و معناداری بر رفاه مالی کارکنان دارد و اطلاعات مالی نقش میانجی مؤثری در این رابطه ایفا می‌کند. همچنین سواد مالی به صورت مستقیم و غیرمستقیم (از طریق اطلاعات مالی) بر مؤلفه‌های احساس امنیت مالی، توانایی مدیریت امور مالی، آینده مالی و نیازها و اولویت‌های مالی تأثیرگذار است.

پژوهش‌های خارجی

رموند (۲۰۱۰) در یک پژوهش مروری تحلیلی (مفهومی) با هدف تبیین مفهوم سواد مالی از طریق تحلیل تعاریف و اندازه‌گیری‌های موجود در پژوهش‌های سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، نشان داد که تعاریف مفهومی و عملیاتی سواد مالی در پژوهش‌ها پراکنده و ناهم‌هنگ است. وی بر لزوم اتخاذ تعریفی روشن، یکپارچه و مورد توافق عمومی برای بهبود پژوهش‌های آتی، طراحی برنامه‌های آموزشی مؤثر و کمک به مصرف‌کنندگان در تطابق با رویدادهای زندگی و اقتصاد پیچیده معاصر تأکید کرد.

لوساردی و میچل (۲۰۱۱) در یک پژوهش پیمایشی (با استفاده از ماژول طراحی شده برای مطالعه سلامت و بازنشستگی) روی سالمندان آمریکایی به بررسی چگونگی برنامه‌ریزی مالی، جمع‌آوری اطلاعات و اجرای برنامه‌ها پرداختند. یافته‌ها نشان داد که بی‌سوادی مالی در میان سالمندان آمریکایی به‌ویژه زنان، اقلیت‌ها و کم‌سوادترین افراد گسترده است. همچنین افراد دارای سواد مالی بالاتر بیشتر احتمال دارد برنامه‌ریزی کنند و در آن موفق باشند و به جای اعضای خانواده یا همکاران، از روش‌های رسمی مانند ماشین حساب‌های بازنشستگی، سمینارهای بازنشستگی و متخصصان مالی استفاده می‌کنند.

لوساردی و میچل (۲۰۱۴) در یک پژوهش مروری تحلیلی (نظری و تجربی) با هدف ارزیابی پژوهش‌های اقتصادی در حوزه سواد مالی، ابتدا سواد مالی را به عنوان شکلی از سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی معرفی کردند. سپس با استفاده از داده‌های پیمایش‌های مختلف نشان دادند که سطح پایین سواد مالی در سراسر جهان گسترده است و بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مانند پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، مدیریت بدهی و برنامه‌ریزی بازنشستگی تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین نتیجه گرفتند که برنامه‌های آموزشی مالی هدفمند می‌توانند به بهبود رفاه اقتصادی و کاهش نابرابری ثروت کمک کنند.

سبری و زکریا (۲۰۱۵) در یک پژوهش پیمایشی روی ۵۰۸ نفر از کارکنان جوان (۴۰ سال و زیر) بخش‌های دولتی و خصوصی در چهار منطقه شهری مرکز شبه‌جزیره مالزی (نمونه‌گیری به روش چندمرحله‌ای) با استفاده از پرسشنامه‌های خوداجرا نشان دادند که پاسخگویان دارای سطح متوسط سواد مالی، قابلیت مالی و رفاه مالی، نگرش مثبت به پس‌انداز و تلاش مالی داشتند و سطح فشار مالی در آنان پایین بود. همچنین فشار مالی قوی‌ترین پیش‌بین‌کننده منفی رفاه مالی بود و متغیرهای جنسیت، درآمد

ماهانه خانوار، سواد مالی، نگرش به پول (تلاش و نگهداری)، فشار مالی و قابلیت مالی تأثیر معناداری بر رفاه مالی داشتند.

پارسیا و استیمو (۲۰۱۷) در یک پژوهش همبستگی روی ۹۶ نفر از کارکنان یک مدرسه دریانوردی با استفاده از پرسشنامه نشان دادند که کارکنان دارای سطح متوسط سواد مالی، رفتار مالی بسیار مطلوب، سطح پایین استرس مالی و رفاه مالی نسبتاً مناسبی هستند. همچنین سواد مالی بهترین پیش‌بین‌کننده رفاه مالی کارکنان بود و بین سواد مالی و رفتار مالی رابطه معناداری وجود داشت، به این معنا که سواد مالی می‌تواند توانایی کارکنان در مدیریت منابع مالی را بهبود بخشد.

ناوی و حسین (۲۰۲۱) در یک پژوهش کیفی با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ نفر از اعضای نیروهای مسلح مالزی و دو خبرگر (تحلیل با نرم‌افزار NVivo و تحلیل تماتیک) به شناسایی عوامل مؤثر بر سطح سواد مالی پرسنل نظامی و پیامدهای آن پرداختند. یافته‌ها نشان داد که ۸ عامل کلیدی بر سواد مالی تأثیر می‌گذارند، شمول مالی به عنوان یک عامل تعدیلگر عمل می‌کند و سواد مالی با بهبود برنامه‌ریزی مالی و رفاه مالی پرسنل نظامی مرتبط است. همچنین این مطالعه مدل نظری شامل پیشایندها و پیامدهای سواد مالی را ارائه داد.

ویل‌مارث، کیم و هنگر (۲۰۲۳) در یک پژوهش پیمایشی با استفاده از داده‌های مطالعه ملی توانایی مالی ۲۰۱۸ (NFCS) روی خانوارهای نظامی و غیرنظامی ایالات متحده نشان دادند که خانوارهای نظامی دارای میانگین دانش مالی بالاتر، دریافت آموزش مالی بیشتر و رفتارهای مالی قوی‌تر نسبت به غیرنظامیان هستند. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که دانش مالی عینی و ذهنی با رفتارهای مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت هر دو گروه رابطه مثبت دارد. همچنین دریافت آموزش مالی با رفتارهای بلندمدت خانوارهای نظامی رابطه مثبت داشت.

ریویر، سینکلر و گراهام (۲۰۲۴) در یک پژوهش توصیفی تحلیلی روی ۸۵۰ نفر از پرسنل فعال ارتش ایالات متحده (با نمونه‌گیری از پرسنل وظیفه فعال) با استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی نشان دادند که ۳۱٪ از شرکت‌کنندگان حداقل یک نوع سختی مالی و ۷۴٪ حداقل یک رفتار مالی مثبت (مانند بودجه‌بندی) را گزارش کردند. پرسنل با درجه پایین‌تر، درآمد کمتر، تحصیلات کمتر و خانواده بزرگتر، سختی مالی بیشتر و رفتارهای مثبت کمتری داشتند. نتایج رگرسیون لجستیک نشان داد که سختی مالی با افزایش اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، افسردگی، اضطراب، کاهش ساعات خواب، بی‌خوابی و کاهش سلامت خودگزارشی مرتبط است، در حالی که بودجه‌بندی تنها با کاهش سوءمصرف الکل رابطه داشت.

ناوی و همکاران (۲۰۲۵) در یک پژوهش کمی با طرح مقطعی روی ۱۸۵۰ نفر از پرسنل نیروهای مسلح مالزی (تحلیل با نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS) با کاربرد نظریه رفتار

برنامه‌ریزی‌شده، مدل چرخه زندگی مصرف و پس‌انداز و نظریه استرس و مقابله نشان دادند که سواد مالی، تاب‌آوری مالی، شمول مالی، فرهنگ نظامی و آگاهی از بازنشستگی با برنامه‌ریزی مالی پرسنل نظامی رابطه مثبت و معنادار دارند، در حالی که استرس مالی، آسیب‌پذیری مالی و دینداری رابطه معناداری با برنامه‌ریزی مالی نداشتند.

سوالات پژوهش

سوال اصلی

آیا سطح سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی با سطح استاندارد تفاوت معناداری دارد؟

سوالات فرعی

۱. آیا بین نمره حوزه مدیریت اعتبارات، وام و بدهی با نمره کل سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟
۲. آیا بین نمره حوزه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری با نمره کل سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟
۳. آیا بین نمره حوزه بیمه و بازنشستگی با نمره کل سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی است. جهت جمع‌آوری اطلاعات از دو روش استفاده شده است، ابتدا در بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد، مقالات علمی، کتب و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر استفاده شده است. سپس داده‌های اولیه از طریق روش میدانی و با توزیع پرسشنامه در بین نمونه آماری گردآوری گردید. جامعه آماری پژوهش را کلیه کارکنان یک دانشگاه نظامی وابسته به ارتش جمهوری اسلامی ایران به حجم تقریبی ۳۰۰ نفر تشکیل می‌دهند. با استفاده از فرمول کوکران برای جامعه محدود و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای برآورد ۵ درصد، حجم نمونه ۱۶۹ نفر محاسبه گردیده است. همچنین از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد.

ابزارهای گردآوری داده‌های میدانی شامل پرسشنامه استاندارد سواد مالی معین‌الدین (۱۳۹۰) متشکل از ۲۵ گویه چهارگزینه‌ای که به حوزه‌های دانش و مفاهیم پایه‌ای و تورم، مدیریت

اعتبارات، وام و بدهی، بیمه و بازنشستگی و سرمایه‌گذاری، پس انداز و مدیریت ریسک را می‌سجد است؛ از آنجا که این پرسشنامه به صورت استاندارد استفاده شده است، روایی و پایایی آن در پژوهش‌های پیشین تأیید گردیده است. در پژوهش رهاوی عزى‌آبادی (۱۳۹۳)، روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظرات استاد راهنما و چندین تن از متخصصان و کارشناسان بررسی و اصلاحات لازم اعمال شده است. همچنین پایایی پرسشنامه در پژوهش مذکور با ضریب آلفای کرونباخ به مقدار ۰.۸۱ محاسبه و تأیید شده است. بنابراین پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش حاضر از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار است. نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی گردید و سپس برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون استاندارد و علمی استفاده شد؛ کلیه تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام پذیرفت.

جدول (۱): تعریف متغیرها و نحوه اندازه‌گیری

متغیر	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	شماره و تعداد گویه‌ها	نحوه اندازه‌گیری و دامنه نمرات
سواد مالی	توانایی افراد در درک مفاهیم مالی پایه، پردازش اطلاعات اقتصادی و اتخاذ تصمیمات آگاهانه و اثربخش برای مدیریت بهینه منابع مالی و بهبود رفاه اقتصادی است.	نمره کل حاصل از پاسخگویی به پرسشنامه استاندارد سواد مالی معین‌الدین (۱۳۹۰).	کل پرسشنامه (۲۵ گویه)	این متغیر شامل کل ۲۵ گویه چهارگزینه‌ای است. نحوه نمره‌گذاری به صورت صفر و یک (پاسخ صحیح: ۱) نمره و پاسخ غلط: ۰ نمره) می‌باشد. بر این اساس، دامنه نمرات برای متغیر سواد مالی بین ۰ تا ۲۵ متغیر است که نمره بالاتر نشان‌دهنده

تحلیل وضعیت سواد مالی کارکنان یک دانشگاه نظامی ... / ۳۷

سواد مالی بیشتر می‌باشد				
این بعد شامل ۶ گویه (سؤالات ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۱۹ و ۲۰) است. با احتساب نمره ۱ برای پاسخ صحیح و ۰ برای پاسخ غلط، دامنه نمرات این بعد بین ۰ تا ۶ قرار دارد.	گویه‌های: ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰ (۶ گویه)	نمره کسب شده از سؤالات بعد مدیریت اعتبارات، وام و بدهی در پرسشنامه معین‌الدین.	توانایی تحلیل ابزارهای اعتباری، ارزیابی هزینه‌ها و شرایط دریافت وام، پرهیز از بدهی‌های غیرضروری و مدیریت تعهدات مالی است.	مدیریت اعتبارات، وام و بدهی
این بعد شامل ۴ گویه (سؤالات ۳، ۶، ۸ و ۹) است. با احتساب نمره ۱ برای پاسخ صحیح و ۰ برای پاسخ غلط، دامنه نمرات این بعد بین ۰ تا ۴ می‌باشد.	گویه‌های: ۳، ۶، ۸، ۹ (۴ گویه)	نمره کسب شده از سؤالات بعد پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در پرسشنامه معین‌الدین.	توانایی بودجه‌بندی صحیح، ایجاد اندوخته مالی، تحلیل بازارهای سرمایه‌گذاری و موازنه بین ریسک و بازده جهت حفظ و رشد دارایی‌ها است.	پس‌انداز و سرمایه‌گذاری
این بعد شامل ۵ گویه (سؤالات ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۲۵) است. با احتساب نمره ۱ برای پاسخ صحیح	گویه‌های: ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵ (۵ گویه)	نمره کسب شده از سؤالات بعد بیمه و برنامه ریزی بازنشستگی در پرسشنامه	شناخت راهکارهای پوشش ریسک‌های غیرمنتظره از طریق انواع بیمه	بیمه و برنامه ریزی بازنشستگی

و توانایی آینده‌نگری مالی جهت تأمین نیازهای اقتصادی دوره بازنشستگی است.	معین‌الدین.	و ۰ برای پاسخ غلط، دامنه نمرات این بعد بین ۰ تا ۵ متغیر است.
---	-------------	---

آمار توصیفی

توصیف متغیرهای جمعیت شناختی

در این پژوهش ۱۶۹ نفر از کارکنان یک دانشگاه نظامی به پرسشنامه پژوهش پاسخ داده اند. نتایج توصیفی متغیرهای جمعیت شناسی در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول (۲): توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	دامنه	فراوانی	درصد فراوانی
سن	زیر ۳۵ سال	۴	۲.۳۷
	۳۵ تا ۳۹ سال	۴۶	۲۷.۲۲
	۴۰ تا ۴۴ سال	۹۸	۵۷.۹۹
	۴۵ تا ۴۹ سال	۱۹	۱۱.۲۴
	۵۰ سال و بالاتر	۲	۱.۱۸
	جمع	۱۶۹	۱۰۰
وضعیت تأهل	مجرد	۵	۲.۹۶
	متأهل	۱۶۴	۹۷.۰۴
	جمع	۱۶۹	۱۰۰
تحصیلات	کارشناسی	۹۴	۵۵.۶۲
	کارشناسی ارشد	۶۴	۳۷.۸۷
	دکتر	۱۱	۶.۵۱
	جمع	۱۶۹	۱۰۰
سابقه خدمت	زیر ۱۸ سال	۷	۴.۱۴

تحلیل وضعیت سواد مالی کارکنان یک دانشگاه نظامی ... / ۳۹

۲۷.۸۱	۴۷	۱۸ تا ۲۰ سال	
۳۲.۵۴	۵۵	۲۱ تا ۲۳ سال	
۲۳.۰۸	۳۹	۲۴ تا ۲۶ سال	
۲.۳۷	۴	۲۷ سال و بالاتر	
۱۰.۰۶	۱۷	نامشخص	
۱۰۰	۱۶۹	جمع	
۱۴.۷۹	۲۵	سرگرد	درجه یا رتبه نظامی
۴۷.۳۷	۸۰	سرهنگ دوم	
۱۹.۵۳	۳۳	سرهنگ	
۴.۷۳	۸	ناخدا سوم	
۶.۵۱	۱۱	ناخدا دوم	
۲.۳۷	۴	ناخدا یکم	
۴.۷۳	۸	سایر درجات	
۱۰۰	۱۶۹	جمع	

جدول (۲) توزیع فراوانی پاسخگویان را بر اساس پنج متغیر سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، سابقه خدمت و درجه نظامی به صورت یکپارچه نمایش می‌دهد. بر اساس این جدول، بیشترین فراوانی سنی مربوط به گروه ۴۰ تا ۴۴ سال (۵۷.۹۹ درصد) است. از نظر وضعیت تأهل، ۹۷.۰۴ درصد متأهل هستند. بالاترین مدرک تحصیلی بیشتر پاسخگویان کارشناسی (۵۵.۶۲ درصد) می‌باشد. از نظر سابقه خدمت، گروه ۲۱ تا ۲۳ سال با ۳۲.۵۴ درصد بیشترین فراوانی را دارد و از نظر درجه نظامی نیز سرهنگ دوم با ۴۷.۳۴ درصد بالاترین درصد را به خود اختصاص داده است. سایر گروه‌های هر متغیر در این جدول قابل مشاهده است.

توصیف متغیرهای پژوهش

جدول (۳): شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	تعداد	کمی	بیشینه	میانگین	میانه	مد	انحراف از معیار	چولگی	کشیگی
-------	-------	-----	--------	---------	-------	----	-----------------	-------	-------

سود مالی	۱۶۹	۱	۲۲	۹.۸۲	۹	۷	۴.۷۴	۰.۳۵۳ ۶	۲۰۱۲۲
مدیریت اعتبارات و بدهی	۱۶۹	۰	۶	۲.۳۷	۲	۲	۱.۵۰	۰.۲۴۵ ۸	۲۰۴۰۱۶
بیمه و بازنشستگی	۱۶۹	۰	۵	۲.۲۵	۲	۲	۱.۳۹	۰.۲۱۴ ۹	۲۰۱۰۲۴
پس انداز و سرمایه گذاری	۱۶۹	۰	۴	۱.۶۹	۲	۱	۱.۳۰	۰.۱۹۸ ۹	۱۸۳۹۷

به منظور بررسی وضعیت سود مالی و مؤلفه‌های آن در میان پاسخگویان، از شاخص‌های آمار توصیفی شامل کمینه، بیشینه، میانگین، میانه، مد، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی استفاده شده است. ۱- سود مالی کل: میانگین نمره کل سود مالی پاسخگویان ۹.۸۲ از ۲۵ می‌باشد که نشان‌دهنده سطح پایین سود مالی در جامعه نمونه است. میانه (۹) و مد (۷) نیز تأییدکننده این وضعیت هستند. انحراف معیار ۴.۷۴ حاکی از پراکندگی نسبتاً بالا در نمرات سود مالی افراد است. ۲- مدیریت اعتبارات، وام و بدهی: میانگین این مؤلفه ۲.۳۷ از ۶ است که نشانگر سطح پایین دانش و مهارت پاسخگویان در حوزه مدیریت اعتبارات و بدهی می‌باشد. میانه و مد هر دو برابر با ۲ بوده و انحراف معیار ۱.۵۰ حاکی از پراکندگی متوسط پاسخ‌هاست. ۳- بیمه و بازنشستگی: میانگین این مؤلفه ۲.۲۵ از ۵ بوده که نسبت به سایر مؤلفه‌ها وضعیت نسبتاً بهتری دارد، اما همچنان در سطح متوسط رو به پایین قرار دارد. میانه و مد برابر با ۲ و انحراف معیار ۱.۳۹ نشان‌دهنده پراکندگی نسبتاً یکنواخت در پاسخ‌هاست. ۴- پس انداز و سرمایه‌گذاری: میانگین این مؤلفه ۱.۶۹ از ۴ می‌باشد که پایین‌ترین سطح در میان مؤلفه‌های سود مالی است. مد برابر با ۱ نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان نمرات بسیار پایینی در این حوزه داشته‌اند. شاخص‌های چولگی برای تمام مؤلفه‌ها مثبت و نسبتاً بزرگ (بین ۱.۸۳ تا ۲.۴۰) است که نشان‌دهنده چولگی به راست (ازدحام داده‌ها در سمت نمرات پایین) می‌باشد. این امر تأییدکننده وضعیت نامطلوب سود مالی در ابعاد مختلف است. شاخص کشیدگی نیز در تمام مؤلفه‌ها بیشتر از ۱ بوده که نشان‌دهنده توزیع کشیده‌تر از نرمال (پیک‌های بلندتر) است.

آمار استنباطی

پیش از هرگونه تحلیل استنباطی، آگاهی از نحوه توزیع داده‌ها جهت گزینش آزمون‌های آماری

تحلیل وضعیت سواد مالی کارکنان یک دانشگاه نظامی ... / ۴۱

متناسب با آن ضروری است. به همین دلیل و در راستای رعایت مفروضات آماری، در این بخش از مطالعه با بهره‌گیری از آزمون کلموگروف-اسمیرنف، وضعیت نرمال بودن یا نبودن متغیرهای پژوهش مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است.

آزمون نرمال بودن داده‌ها:

H0: توزیع داده‌ها نرمال است

H1: توزیع داده‌ها نرمال نیست

برای نرمال بودن متغیرها از آزمون کلموگروف-اسمیرنف استفاده شده است. در آزمون مذکور، فرض صفر بیانگر نرمال بودن توزیع داده‌ها و فرض خلاف بیانگر غیرنرمال بودن آن است. در این آزمون چنانچه سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ باشد، فرض نرمال بودن توزیع این متغیرها رد و فرض خلاف مبنی بر غیرنرمال بودن توزیع داده‌ها تأیید می‌شود.

جدول (۴) آزمون توزیع داده‌ها جهت نرمال / غیر نرمال بودن

متغیر	نمره آزمون کلموگروف- اسمیرنف	سطح معناداری (sig)	نتیجه
سواد مالی	۰.۱۶۲۲	۰.۰۰۲	نرمال نیست
مدیریت اعتبارات و بدهی	۰.۱۵۴۲	۰.۰۰۶	نرمال نیست
بیمه و بازنشستگی	۰.۱۷۶	۰.۰۰۰	نرمال نیست
پس‌انداز و سرمایه‌گذاری	۰.۱۸۶۷	۰.۰۰۰	نرمال نیست

پاسخ به سوالات پژوهش

سوال اصلی تحقیق

آیا سطح سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی با سطح استاندارد تفاوت معناداری دارد؟
آزمون ویلکاکسون تک‌نمونه‌ای یک آزمون ناپارامتری است که برای مقایسه میانه یک نمونه با یک مقدار ثابت یا استاندارد مشخص استفاده می‌شود. این آزمون زمانی کاربرد دارد که داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نکنند و آزمون t تک‌نمونه‌ای مناسب نباشد. در این پژوهش از آزمون ویلکاکسون تک‌نمونه‌ای

برای بررسی فرضیه اصلی استفاده شده است.

با استفاده از آزمون ویلکاکسون تک نمونه ای سوال اصلی تحقیق طبق جدول (۵) مورد آزمون قرار گرفته است.

مقدار	شاخص
۱۶۹	تعداد نمونه (N)
۹	میانه مشاهده شده
۱۲.۵	مقدار ثابت/استاندارد
۵۶	تعداد رتبه های مثبت
۱۱۳	تعداد رتبه های منفی
۰	تعداد موارد مساوی
۳۰۶۶.۵۰	مجموع رتبه های مثبت
۱۱۲۹۸.۵۰	مجموع رتبه های منفی
۱۴۳۶۵.۰	مجموع کل رتبه ها
۳۰۶۶.۵۰	آماره ویلکاکسون (V)
-۶.۴۶۱۲	آماره استاندارد (Z)
۰.۰۰۱	سطح معناداری (P)
۰.۴۹۷۰	اندازه اثر

نتایج این آزمون نشان داد که بین سطح سواد مالی کارکنان و مقدار استاندارد تفاوت معناداری وجود دارد. میانه عدد ۹ را نشان می دهد که از مقدار استاندارد ۱۲.۵۰ پایین تر می باشد؛ همچنین آماره استاندارد Z برابر با منفی ۶.۴۶۱۲ و سطح معناداری P برابر با کمتر از ۰.۰۰۱ محاسبه شده است. با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری بسیار کوچکتر از سطح آلفای ۰.۰۵ است، فرض صفر (برابری میانه با مقدار استاندارد) رد می شود. یافته های این پژوهش نشان می دهد که سطح سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی به طور قابل توجهی پایین تر از سطح استاندارد مورد انتظار است؛ از ۱۶۹ نفر مورد بررسی ۱۱۳ نفر (معادل ۶۶.۹ درصد) نمره سواد مالی پایین تر از مقدار استاندارد گرفته اند و ۵۶ نفر (معادل ۳۳.۱ درصد) نمره بالاتر از استاندارد داشته اند. از طرفی اندازه اثر محاسبه شده برابر با ۰.۴۹۷۰ است که بر اساس معیارهای کوهن گویای یک اثر متوسط تا بزرگ می باشد؛ این بدان معناست که تفاوت مشاهده شده از نظر آماری معنادار است و از نظر عملی نیز اهمیت قابل توجهی دارد. با توجه به نتایج به دست آمده،

پاسخ به سوال اصلی پژوهش تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که سطح سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی با سطح استاندارد تفاوت معناداری دارد و این تفاوت به پایین‌تر بودن سطح سواد مالی نسبت به استاندارد اشاره دارد؛ این یافته می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی و ارتقای سواد مالی در این جامعه شود. همچنین به دلیل بزرگ بودن حجم نمونه ($N = 169$ که بیشتر از ۳۰ است) جهت تعیین معناداری از آماره استاندارد Z استفاده شده است.

آزمون سوالات فرعی تحقیق

با توجه به اینکه داده‌های این پژوهش از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند استفاده از آزمون همبستگی پیرسون که شرط آن نرمال بودن داده‌ها است مناسب نیست لذا از آزمون همبستگی اسپیرمن که نیازی به فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها ندارد استفاده می‌شود.

سوال فرعی اول: آیا بین نمره حوزه مدیریت اعتبارات، وام و بدهی با نمره کل سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟

با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن فرضیه فرعی اول تحقیق طبق جدول (۶) مورد آزمون قرار گرفته است.

سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	تعداد (n)	Y	X
۰.۰۰۱	۰.۸۰۲۵	۱۶۹	نمره کل سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی	نمره حوزه مدیریت اعتبارات و بدهی

از آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه بین نمره حوزه مدیریت اعتبارات و بدهی با نمره کل سواد مالی استفاده شد که نتایج این آزمون نشان داد ضریب همبستگی اسپیرمن برابر با عدد ۰.۸۰۲۵ و سطح معناداری برابر با ۰.۰۰۱ است. ضریب همبستگی اسپیرمن با مقدار ۰.۸۰۲۵ گویای یک رابطه مثبت و قوی بین دو متغیر است، از آنجایی که این مقدار در محدوده ۰.۸۰ تا ۱ قرار دارد طبق مقیاس‌های استاندارد تفسیر ضریب همبستگی نشان‌دهنده رابطه بسیار قوی است از طرفی سطح معناداری به دست آمده ($p < 0.001$) کمتر از سطح آلفای ۰.۰۵ است؛ این نتیجه نشان می‌دهد که رابطه مشاهده شده از نظر آماری معنادار است و احتمال وقوع آن به صورت تصادفی تقریباً صفر است بنابراین می‌توان با اطمینان بالایی نتیجه گرفت که رابطه مثبت و قوی بین این دو متغیر در جامعه آماری وجود دارد.

سوال فرعی دوم: آیا بین نمره حوزه پس انداز و سرمایه گذاری با نمره کل سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟

با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن فرضیه فرعی اول تحقیق طبق جدول (۷) مورد آزمون قرار گرفته است.

X	Y	تعداد (n)	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
پس انداز و سرمایه گذاری	نمره کل سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی	۱۶۹	۰.۷۸۶۴	۰.۰۰۱

از آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه بین نمره حوزه پس انداز و سرمایه گذاری با نمره کل سواد مالی استفاده شد که نتایج این آزمون نشان داد ضریب همبستگی اسپیرمن برابر با عدد ۰.۷۸۶۴ و سطح معناداری برابر با ۰.۰۰۱ است. ضریب همبستگی اسپیرمن با مقدار ۰.۷۸۶۴ گویای یک رابطه مثبت و قوی بین دو متغیر است؛ از آن جایی که این مقدار در محدوده ۰.۸۰ تا ۱ قرار دارد طبق مقیاس های استاندارد تفسیر ضریب همبستگی نشان دهنده رابطه بسیار قوی است از طرفی سطح معناداری به دست آمده ($p < ۰.۰۰۱$) کمتر از سطح آلفای ۰.۰۵ است؛ این نتیجه نشان می دهد که رابطه مشاهده شده از نظر آماری معنادار است و احتمال وقوع آن به صورت تصادفی تقریباً صفر است، بنابراین می توان با اطمینان بالایی نتیجه گرفت که رابطه مثبت و قوی بین این دو متغیر در جامعه آماری وجود دارد.

سوال فرعی سوم: آیا بین نمره حوزه بیمه و بازنشستگی با نمره کل سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟

با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن فرضیه فرعی اول تحقیق طبق جدول (۸) مورد آزمون قرار گرفته است.

X	Y	تعداد (n)	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
بیمه و بازنشستگی	نمره کل سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی	۱۶۹	۰.۷۵۰۳	۰.۰۰۱

از آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه بین نمره حوزه بیمه و بازنشستگی با نمره کل سواد مالی استفاده شد که نتایج این آزمون نشان داد که ضریب همبستگی اسپیرمن برابر با عدد ۰.۷۵۰۳ و

سطح معناداری برابر با ۰.۰۰۱ است. ضریب همبستگی اسپیرمن با مقدار ۰.۷۵۰۳ گویای یک رابطه مثبت و قوی بین دو متغیر است؛ از آنجایی که این مقدار در محدوده ۰.۶۰ تا ۰.۷۹ قرار دارد که طبق مقیاس‌های استاندارد تفسیر ضریب همبستگی نشان‌دهنده رابطه قوی است از طرفی سطح معناداری به دست آمده ($p < 0.001$) بسیار کوچکتر از سطح آلفای ۰.۰۵ است؛ این نتیجه نشان می‌دهد که رابطه مشاهده شده از نظر آماری معنادار است و احتمال وقوع آن به صورت تصادفی تقریباً صفر است، بنابراین می‌توان با اطمینان بالایی نتیجه گرفت که رابطه مثبت و قوی بین این دو متغیر در جامعه آماری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش که با هدف ارزیابی سطح سواد مالی کارکنان یک دانشگاه نظامی و تحلیل ارتباط بین نمره کلی سواد مالی با حوزه‌های عملیاتی آن (مدیریت اعتبارات و بدهی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک، و بیمه و برنامه‌ریزی بازنشستگی) انجام شد. تصویری جامع از وضعیت سواد مالی در جامعه مورد مطالعه ارائه داد که نتایج آن می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی‌های آموزشی و توانمندسازی مالی در نهادهای نظامی قرار بگیرد.

سطح پایین سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی: یافته‌های این پژوهش نشان داد که سطح سواد مالی کارکنان دانشگاه نظامی مورد مطالعه پایین‌تر از سطح استاندارد است؛ میانگین نمره کلی سواد مالی ۹.۸۲ از ۲۵ نشان‌دهنده وضعیتی نگران‌کننده در حوزه دانش یا سواد مالی کارکنان است که آماره استاندارد Z برابر با عدد منفی ۶.۴۶۱۲ و سطح معناداری P کمتر از ۰.۰۰۱ تفاوت بسیار معنادار بین سطح سواد مالی مشاهده شده با سطح استاندارد را تأیید می‌کند. از طرفی، اندازه اثر محاسبه شده نیز بر اساس معیارهای کوهن حاکی از اهمیت عملی این تفاوت است؛ به نحوی که ۶۶.۹ درصد از کارکنان مورد مطالعه نمره‌ای پایین‌تر از مقدار استاندارد دارند. این یافته با نتایج مطالعات داخلی و خارجی همخوانی دارد. لوساردی و میچل (۲۰۱۴) در پژوهش مرجع خود نشان دادند که سطح پایین سواد مالی در سراسر جهان گسترده است و بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد. پژوهش‌های داخلی نیز پایین بودن سطح سواد مالی در جامعه کارکنان را چالش مهم قلمداد کرده‌اند. از طرفی مقایسه این یافته‌ها با پژوهش ناوی و همکاران (۲۰۲۵) بر روی پرسنل نظامی مالزی نشان می‌دهد که چالش‌های سواد مالی در نهادهای نظامی یک پدیده فراملی است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که اگر سطح پایین سواد مالی با رفتارهای مالی نادرست همراه باشد، می‌تواند منجر به مشکلات مالی مانند بدهی‌های سنگین، عدم پس‌انداز کافی، و عدم آمادگی برای بازنشستگی شود. همچنین، سرمایه‌گذاری در آموزش مالی می‌تواند به بهبود رفتارهای مالی و در نتیجه افزایش رفاه مالی کارکنان منجر شود؛ این

امر در جامعه نظامی که کارکنان، حافظان امنیت کشور هستند از اهمیت بالایی برخوردار است.

ارتباط قوی بین حوزه‌های عملیاتی و سواد مالی کلی: نتایج این تحقیق نشان داده که بین حوزه‌های عملیاتی با نمره کلی سواد مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد که در این میان قوی‌ترین ارتباط مربوط به حوزه مدیریت اعتبارات، وام و بدهی با ضریب همبستگی اسپرمن ۰.۸۰۲۵ می‌شود. این ارتباط در مطالعات لوساردی و توفانو (۲۰۰۹) که مدیریت بدهی را یکی از مولفه‌های مهم سواد مالی می‌دانند، مورد مشاهده قرار گرفته است. به عبارتی دیگر، کارکنانی که توانایی بالاتری نسبت به بقیه در مدیریت اعتبارات و بدهی دارند، از سواد مالی بالاتری برخوردارند. این یافته‌ها با مطالعه ریویر و همکاران (۲۰۲۳) که روی سربازان در ایالات متحده انجام داد، مرتبط است. نتایج این پژوهش گویای این بود که سختی مالی با افزایش مشکلات سلامت روان ارتباط دارد و افزایش سواد مالی در حوزه مدیریت اعتبارات می‌تواند به کاهش استرس مالی و ارتقای رفاه روانی کارکنان کمک کند. حوزه پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک با ضریب همبستگی اسپرمن ۰.۷۸۶۴ مثل حوزه بالا با نمره کل سواد مالی رابطه مثبت و معناداری دارد؛ مطالعات فراکزک و کلیمونتویکز (۲۰۱۵) و کارلین و رابینسون (۲۰۱۲) با یافته‌های این پژوهش همخوانی دارد. به عبارت دیگر، کارکنانی که پس‌انداز می‌کنند و سرمایه‌گذاری و درک ریسک دارند، به مراتب از سطح سواد مالی بالاتری برخوردارند اما با توجه به میانگین نمره این حوزه ۱.۶۹ از ۴ متوجه ضعف نسبی کارکنان در این زمینه می‌شویم. حوزه بیمه و برنامه‌ریزی بازنشستگی با ضریب همبستگی اسپرمن ۰.۷۵۰۳ رابطه مثبت و معناداری با نمره کل سواد مالی دارد که این یافته‌ها با پژوهش‌های کاپور و همکاران (۲۰۰۸) و هاستینگز، مادریان و سکیمی هورن (۲۰۱۳) همخوانی دارد. مقایسه این یافته‌ها با پژوهش کیایی و همکاران (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که سواد مالی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق افزایش رضایت مالی، موجب ارتقای کیفیت زندگی سالمندان می‌شود.

ویژگی‌های خاص جامعه نظامی: این تحقیق با پیشینه پژوهش تفاوت‌هایی دارد از جمله این که برخلاف اکثر مطالعاتی که در پیشینه پژوهش از آنها یاد شد که به کارکنان جامعه عمومی و بخش خصوصی می‌پردازند. این پژوهش بر روی کارکنان یک دانشگاه نظامی که ویژگی‌های خاص خود متمرکز بوده است؛ کارکنان نظامی ثبات شغلی و درآمد ثابت دارند اما ممکن است به دلیل حقوق ثابت، مأموریت‌ها، محدودیت‌ها، الگوهای رفتاری، نگرشی و مالی متمایزی داشته باشند، در نتیجه این ویژگی‌ها یافته‌های این پژوهش را از مطالعات دیگر متمایز می‌کند.

پیامدهای عملی

۱. نیاز به دوره های کسب و ارتقای سطح سواد مالی برای کارکنان دانشگاه نظامی احساس می شود که باید روی حوزه های ضعیف تر از جمله پس انداز و سرمایه گذاری، بیمه و برنامه ریزی بازنشستگی تمرکز داشته باشد.
 ۲. این دوره ها باید در برنامه کاری و آموزشی کارکنان توسط دانشگاه گنجانده شود و توسط خود دانشگاه ارزیابی و رصد شود.
 ۳. ارائه مشاوره مالی به کارکنان می تواند به آن ها کمک کند تا تصمیمات مالی بهتری اتخاذ کنند.
 ۴. ایجاد عادت پس انداز و آشنایی با ابزارهای سرمایه گذاری می تواند به بهبود وضعیت مالی بلندمدت کارکنان کمک کند.
- همان طور که در بالا بحث شد، یافته های پژوهش نشان داد که سطح سواد مالی کارکنان مورد مطالعه پایین تر از سطح استاندارد است و بین نمره کلی سواد مالی با حوزه های عملیاتی آن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته ها گویای آن است که بهبود دانش یا سواد مالی در این حوزه ها و حوزه های دیگر می تواند به ارتقای سطح کلی سواد مالی منجر شود؛ نتایج این پژوهش با ادبیات نظری و پیشینه پژوهش همخوانی دارد که پیامدهای عملی مهمی برای سیاست گذاران و مدیران آموزشی به ارمان می آورد. این پژوهش تلاشی در جهت پر کردن خلأ مطالعاتی در حوزه سواد مالی در فضای نظامی برداشته و زمینه تحقیقات آتی در این عرصه را فراهم آورده است.

محدودیت های پژوهش

اصولاً هر پژوهشی با وجود یافته های ارزشمند با محدودیت هایی مواجه است که این پژوهش هم از این قاعده مستثنی نیست. اگرچه حجم نمونه ۱۶۹ نفر بر اساس فرمول آماری محاسبه شده است اما این اندازه نمونه ممکن است برای تعمیم پذیری به کل جامعه کارکنان نظامی کافی نباشد. این پژوهش به صورت مقطعی انجام شده است و امکان بررسی تغییرات زمانی در سطح سواد مالی را فراهم نمی کند. همچنین این پژوهش بر روی کارکنان یک دانشگاه نظامی خاص انجام شده است و یافته ها ممکن است به سایر دانشگاه های نظامی یا نهادهای نظامی دیگر قابل تعمیم نباشد.

پیشنهادهای پژوهش های آتی

برای غلبه بر محدودیت های شناسایی شده و توسعه دانش در این حوزه، پیشنهادات زیر برای پژوهش های آینده ارائه می شود:

۱. افزایش حجم نمونه برای افزایش قدرت آماری و امکان تعمیم پذیری بهتر.
۲. انجام پژوهش های طولی برای بررسی تغییرات سواد مالی در طول زمان و تأثیر عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی.

۳. مقایسه سواد مالی کارکنان نظامی با سایر گروه‌های شغلی و نیز بین چندین دانشگاه / نهاد نظامی.

منابع

منابع داخلی

- احمدی، غلامعلی، امام جمعه، سیدمحمدرضا، و علیزاده کتلولئی، لیلا. (۱۳۹۴). بررسی میزان توجه به مولفه های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب های درسی دوره ابتدایی، پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی-برنامه ریزی درسی)، ۱۲(۲۰)، ۱۹۲-۱۷۹.
- احمدی، حسن، بادی‌ساز، امیر. (۱۴۰۴). بررسی رابطه بین سواد مالی و رفاه مالی کارکنان با نقش میانجی اطلاعات مالی (مطالعه موردی: کارکنان شهرداری‌های استان بوشهر). نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۹(۳۴)، ۵۴۱-۵۱۰.
- پیرایش‌راد، متین، حاجی‌ها، زهره، صفا، مژگان، و غلامی جمکرانی، رضا. (۱۴۰۲). تأثیر سواد مالی و نگرش نسبت به پول بر رفاه مالی، ششمین کنفرانس بین‌المللی سالانه تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران، ایران.
- سلاجقه، سنجر، و قاسم‌زاده عقیانی، اسما. (۱۴۰۱). رابطه سواد مالی و رفاه مالی بر میزان فشار روانی در بین کارکنان اداره مالیات شهر کرمان، نشریه پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، ۷(۲۸)، ۷۹-۹۴.
- طباطبایی، اعظم السادات، معین‌الدین، محمود، و شهرستانی، سهیلا. (۱۴۰۳). سنجش سواد مالی و خودکارآمدی مالی کارکنان دادگستری استان یزد و تأثیر آن بر ابعاد مختلف رفاه آنها، فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۷(۴۹)، ۸۲-۱۰۰.
- علیرضائی، شیدا و محمودزاده، احد. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر سواد مالی سرمایه گذران بر رفاه مالی با توجه به نقش میانجی توانمندی مالی، سومین کنفرانس ملی مدیریت بازرگانی، کارآفرینی و حسابداری ایران، تهران، ایران.
- فرخ‌بخت فومنی، علیرضا، و احمدزاده، زهرا. (۱۴۰۰). رابطه بین سواد مالی و رفاه کارکنان با توجه به نقش خودکارآمدی مالی (مطالعه موردی: کارکنان مالی علوم پزشکی استان گیلان)، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵(۷۶)، ۱۳۶-۱۵۰.

- فلاحتی، زهرا، معین‌الدین، محمود، و شهرستانی، سهیلا. (۱۴۰۲). سنجش سواد مالی کارکنان شرکت توزیع برق یزد و رابطه آن با رفاه مالی، جسمی و ذهنی آن‌ها، فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۶(۳۸)، ۹۷-۱۱۲.
- کاظم‌پوردیزجی، فاطمه، خان‌محمدی، محمد حامد، و معین‌الدین، محمود (۱۳۹۹). ارائه الگوی آموزش سواد مالی در ایران با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد، مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۱۱ (۴۳)، ۱۵۱-۱۷۹.
- کیایی مهسا، محمدی فاطمه، حسین خانی زهرا، و مطلبی سیده آمنه. (۱۴۰۱). بررسی نقش میانجیگری رضایت مالی در ارتباط بین سواد مالی و کیفیت زندگی در سالمندان بازنشسته شهر قزوین، سالمند: مجله سالمندی ایران، ۱۷ (۳)، ۳۲۲-۳۳۷.
- مهدی، محمد، حسینی، سیدحسن، و نوروزی، محمدحسین. (۱۴۰۳). طراحی الگوی مطلوب راه‌اندازی صندوق آتیه کارکنان ارتش با رویکرد سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار، اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، ۹(۳۱)، ۱۰۵-۱۲۴.
- مهدی‌دخت، مریم. (۱۴۰۰). ارتباط بین سواد مالی و رفاه مالی کارکنان شهرداری منطقه ۱ شهرستان خرم‌آباد، نشریه پژوهش‌های نوین در مدیریت کارآفرینی و توسعه کسب و کار، ۲(۲)، ۵۴۶-۵۳۴.
- یگانه، زهرا، و زارعی، سمیرا. (۱۳۹۸). بررسی رابطه نگرش مالی، سواد مالی و مشارکت مالی با میانجیگری خودکارآمدی مالی در حرفه حسابداری و حسابرسی، ماهنامه شباک، ۵ (۳)، ۸۱-۹۰.
- رهاوی عز آبادی، زینب. (۱۳۹۳). سنجش سواد مالی دانشجویان و ارتباط آن با رفاه ذهنی و مالی آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه علم و هنر

منابع خارجی

- Abreu, M., & Mendes, V. (2010). Financial literacy and portfolio diversification. *Quantitative Finance*, 10(5), 515-528.
- Adam, A. M., Frimpong, S., & Boadu, M. O. (2017). Financial literacy and financial planning: Implication for financial well-being of retirees. *Business and Economic Horizons*, 13(2), 224-236.

- Carlin, B. I., & Robinson, D. T. (2012). What does financial literacy training teach us?. *The Journal of Economic Education*, 43(3), 235–247.
- Frączek, B., & Klimontowicz, M. (2015). Financial literacy and its influence on young customers' decision factors. *Journal of Innovation Management*, 3(1), 62–84.
- Hastings, J. S., Madrian, B. C., & Skimmyhorn, W. L. (2013). Financial Literacy, Financial Education, and Economic Outcomes. *Annual Review of Economics*, 5(1), 347–373.
- Huston, S. J. (2010). Measuring Financial Literacy. *The Journal of Consumer Affairs*, 44(2), 296–316.
- Johnson, E., & Sherraden, M. S. (2007). From Financial Literacy to Financial Capability Among Youth. *The Journal of Sociology & Social Welfare*, 34(3), 119–145.
- Kapoor, Jack R., Les R. Dlabay, Robert J. Hughes and Melissa M. Hart (2020). *Personal Finance*, 13th ed., New York: McGraw-Hill Education.
- Lusardi, A. (2008). Financial Literacy: An Essential Tool for Informed Consumer Choice? (CFS Working Paper No. 2008/19). Frankfurt a. M.: Center for Financial Studies, Goethe University Frankfurt.
- Lusardi, A., & Mitchell, O. S. (2011). Financial Literacy and Planning: Implications for Retirement Wellbeing (NBER Working Paper No. 17078). Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research.
- Lusardi, A., & Mitchell, O. S. (2014). The Economic Importance of Financial Literacy: Theory and Evidence. *Journal of Economic Literature*, 52(1), 5–44.
- Lusardi, A., & Tufano, P. (2009). Debt literacy, financial experiences, and overindebtedness (NBER Working Paper No. 14808). National Bureau of Economic Research
- Nawi, H. M., M. Y. Ahmad, K. Tanaraj, A. Ismail, M. N. Abdullah and M. A. Jusoh (2025). Financial Readiness, Combat Readiness: Factors Influencing the Financial Planning of Military Personnel. *Journal of Lifestyle and SDGs Review*, 5(3), e05140.
- Nawi, H. M., & Hussin, H. S. (2021). Financial literacy among Malaysian military personnel. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 11(2), 523–545.
- Parcia, R. O., & Estimo, E. T. (2017). Employees' financial literacy, behavior, stress and wellness. *Journal of Human Resource Management*, 5(5), 78–89.

- Remund, D. L. (2010). Financial Literacy Explicated: The Case for a Clearer Definition in an Increasingly Complex Economy. *The Journal of Consumer Affairs*, 44(2), 276-295.
- Riviere, L. A., Sinclair, R. R., & Graham, B. (2024). Financial hardship, positive financial behaviour, and behavioural health outcomes among U.S. soldiers. *Journal of Military, Veteran and Family Health*, 10.(۳)
- Sabri, M. F., & Zakaria, N. F. (2015). The influence of financial literacy, money attitude, financial strain and financial capability on young employees' financial well-being. *Pertanika Journal of Social Sciences and Humanities*, 23(4), 827-848.
- Seraj, A. H. A., Alzain, E., & Alshebami, A. S. (2022). The roles of financial literacy and overconfidence in investment decisions in Saudi Arabia. *Frontiers in Psychology*, 13, 1005075.
- Shen, C.-H., Lin, S.-J., Tang, D.-P., & Hsiao, Y.-J. (2016). The relationship between financial disputes and financial literacy. *Pacific-Basin Finance Journal*, 36, 46-65.
- Wilmarth, M. J., Kim, K. T., & Henager, R. (2023). Exploring financial behaviors of military households: Do financial knowledge and financial education matter?. *Financial Services Review*, 31(1), 35-54.